

مشاوره ازدواج^۵

چکیده: امروزه انتخاب همسر به فرایندی بسیار پیچیده تبدیل شده و بدین رو مشاوره ازدواج به تدریج جای خود را بیش از پیش باز می‌یابد. در این نوشتار پنج نکته اساسی در مشاوره ازدواج مورد توجه قرار گرفته است: نخست لازم است مشاور بینش صحیحی به مراجع در خصوص اهداف و کارکردهای ازدواج ارائه نماید تا با نگاهی صائب موضوع انتخاب همسر را دنبال نماید. سپس ضمن تبدیل دیدگاه‌های افراطی مراجع در خصوص معیارهای همسر شایسته، ضرورت مسئله اولویت‌بندی معیارها را برای او تشریح کند و برای او آشکار سازد که بر چه اساس می‌توان معیارها را به‌عنوان ضروری و غیرضروری تقسیم کرد. آن‌گاه با هم‌فکری و همراهی مراجع باید معیارهای گوناگون را طبقه‌بندی کرد. در آخر نیز لازم است مشاور شیوه‌های تشخیص معیارها را برای مراجع توضیح داده، او را برای شناخت و احراز ویژگی‌های همسر شایسته یاری دهد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، انتخاب همسر، معیارهای انتخاب همسر، آزمون‌های ازدواج، اهداف ازدواج، همسرگزینی.

* . دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی.

در گذشته موضوع ازدواج و انتخاب همسر امری ساده و عاری از ابهام تلقی می‌شد. اما امروزه این انتخاب به‌عنوان یکی از حساس‌ترین انتخاب‌های دوران زندگی، از پیچیدگی خاصی برخوردار شده و کمترین سهل‌انگاری در این انتخاب زیان‌های جبران‌ناپذیر مادی و معنوی را به همراه خواهد داشت. پیچیدگی مذکور موجب آن شده است که گرایش جوانان به مشاوره در خصوص انتخاب همسر بیشتر شده و برای اطمینان یافتن از انتخاب صحیح به مشاور رجوع کنند. از این جهت آشنایی افرادی که در معرض مشاوره ازدواج قرار می‌گیرند، به‌ویژه فضایی محترم حوزه‌های علمیه با ظرایف و پیچیدگی‌های انتخاب همسر امری لازم و حایز اهمیت به نظر می‌رسد. نوشتار حاضر به دنبال آن است که به تشریح پنج نکته قابل توجه در مشاوره ازدواج برای مشاورین بپردازد. در نگارش این مقاله از کتاب فرایند همسرگزینی که به سفارش معاونت فرهنگی وزارت بهداشت آموزش عالی و توسط نویسنده نگارش یافته، استفاده شده است.

یک. آشناسازی مراجع با اهداف و کارکردهای ازدواج

بسیاری از افرادی که آهنگ ازدواج دارند و برای آگاهی از جوانب گوناگون آن به مشاور مراجعه می‌کنند، اطلاع چندانی از اهمیت و اهداف ازدواج و تشکیل خانواده نداشته و به آثار و نتایج آن نیز نیندیشیده‌اند. این قبیل افراد هنگامی که با سؤال مشاور در مورد هدف ازدواج مواجه می‌شوند، تعجب خود را از نوع سؤال ابراز داشته، پس از مدتی تأمل می‌گویند: «به همان دلیل که همه ازدواج می‌کنند!». موضوع آشناسازی مراجع با اهداف و کارکردهای ازدواج موضوعی تفتنی نیست که صرفاً برای باز شدن باب گفت‌وگو بین مشاور و مراجع مورد توجه قرار گیرد، بلکه می‌توان آن را سنگ‌بنای فعالیت‌های آتی در روند مشاوره قلمداد کرد. به‌طور طبیعی فردی که شناخت لازم را از اهداف ازدواج پیدا نکرده باشد، در تعیین معیارهای انتخاب همسر مناسب، دچار ابهام و حتی تناقض می‌شود و در گزینش خود به موفقیت دست نخواهد یافت. یا فردی که از کارکردها و مسئولیت‌های ازدواج بی‌اطلاع باشد، آن‌گاه که با نخستین وظیفه در قبال همسر مواجه شود، نگران شده، احساس پشیمانی از ازدواج به او دست می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت که نقطه آغاز در مشاوره ازدواج پس از آشنایی با خصوصیات مراجع و ایجاد ارتباط صمیمانه با وی، گفت‌وگو

درباب اهداف و کارکردهای ازدواج است. اهداف و نتایج چندی به دنبال ازدواج حاصل می‌شود که به اختصار به آنها اشاره خواهد شد:

۱. تأمین نیازهای جنسی

نخستین عاملی که زن و مرد را به هم نزدیک می‌سازد و زندگی مشترک و پیوند آن دو را ایجاب می‌کند، غریزه جنسی است. مرد نیاز جنسی زن را تأمین می‌کند و متقابلاً، زن هم نیاز جنسی مرد را برطرف می‌سازد و این نیاز متقابل، تا حدود زیادی، پیوند دائمی یا طولانی آن دو را سبب می‌شود.

۲. پرورش فرزندان صالح

کارکرد تولید مثل، یکی دیگر از کارکردهای مهم زیست‌شناختی خانواده است که همواره بقای جوامع و به‌طور کلی بقای نسل بشر را تضمین می‌کند. قرآن کریم یکی از ویژگی‌های بندگان خدای رحمان را دعا برای طلب فرزند صالح می‌داند: *والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا ذریاتنا قرة اعین؛ (فرقان / ۷۴)* «پروردگارا، از همسران و فرزندان ما کسانی قرار ده که مایه چشم روشنی ما گردند.»

۳. تکامل اخلاق و معنویت

ازدواج اولین قدمی است که انسان از خودپرستی و خوددوستی به سوی غیردوستی بر می‌دارد. تا قبل از ازدواج همه چیز برای من بود. ازدواج، این حصار را می‌شکند و فرد نه برای «من» بلکه برای «او» کار می‌کند. بعد که دارای فرزندان می‌شود، دیگر «او» اوها می‌شود و کم‌کم این «من» فراموش می‌شود. (مرتضی مطهری، ص ۳۹۷)

از سوی دیگر، ازدواج صیانت همسران را از گرایش به انحرافات جنسی همراه خواهد داشت و این عامل نیز به نوبه خود سلامت جنسی افراد و تکامل اخلاقی آنان را تضمین می‌نماید.

۴. گسترش ارتباطات اجتماعی

قرآن کریم این کارکرد تشکیل خانواده را چنین توضیح داده است:

و هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً؛ (فرقان / ۸۴) «او کسی است که از آب انسانی آفرید و او را نسب و سبب قرار داد.»
منظور از «صهر» که در اصل به معنای «داماد» است، پیوندهایی است که از این طریق میان دو طایفه برقرار می‌شود، مانند پیوند انسان با نزدیکان همسرش. (ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۵، ص ۱۲۷)
افراد از راه ازدواج، حوزه روابط خویش را گسترش می‌دهند و این وظیفه در بیشتر جوامع بر عهده زنان است.

۵. رشد اقتصادی

برخلاف تصور رایج که ازدواج موجب بروز مشکلات اقتصادی قلمداد می‌شود، خداوند متعال زندگی مشترک زناشویی را عامل تقویت بنیه اقتصادی معرفی کرده است: وانكحوا الایامی منكم والصالحین من عبادكم و امانكم ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم؛ (نور / ۳۲) «پسران و دختران بی‌همسر و غلامان و کنیزان شایسته [ازدواج] خود را همسر دهید. [و از فقر ترسید که] اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خود بی‌نیازشان می‌گرداند و خداوند گشایشگر دانا است.»
بنابراین، می‌توان گفت یکی از کارکردهای ازدواج، رشد اقتصادی افراد متأهل است. این امر با مراجعه به زندگی عموم مردم و به‌ویژه طلاب علوم دینی که با توکل به خدای متعال، زندگی همراه با قناعت را آغاز کرده‌اند، به خوبی قابل مشاهده است.

۶. آرامش

سکونت و آرامش مهم‌ترین هدف ازدواج است که چه بسا محصول کارکردهای پیش گفته باشد. خداوند متعال در توصیف این هدف ازدواج فرموده است: و من آیاته ان خلق لكم من انفسكم ازواجاً لتسكنوا الیهما و جعل بینكم مودة و رحمة؛ (روم / ۲۱) «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید، تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد.»

به اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان، ارضای نیازهای عاطفی مهم‌ترین کارکردی است که می‌تواند بقای خانواده را در جوامع صنعتی جدید تبیین کند. ارضای عاطفی در

محیط‌های دیگری مانند محیط‌های شغلی یا آموزشی نیز کم و بیش یافت می‌شود، اما بیشتر افراد رضایت‌بخش‌ترین روابط شخصی خود را با همسران، والدین، فرزندان یا دیگر بستگان می‌یابند. (حسین بستان، ص ۸۸)

بر این اساس، آرامش مهم‌ترین نتیجه ازدواج است که همه داوطلبان ازدواج و به‌ویژه طلاب علوم دینی باید رسیدن به آن را وجهه همت خویش قرار داده، فردی را برگزینند که در سختی‌های طاقت‌فرسای زندگی، زمینه آرامش همسر را فراهم سازد. نوشته‌اند: مردی به حضور رسول خدا (ص) رسیده، عرضه داشت: همسری دارم که هرگاه وارد منزل می‌شوم، به استقبال می‌آید و هرگاه خارج می‌شوم، مرا بدرقه می‌کند و آن‌گاه که مرا غمگین می‌بیند، می‌پرسد: برای چه ناراحتی؟ اگر برای روزیت نگرانی که او را غیر تو (خداوند) متکفل است و اگر برای امر آخرت نگرانی، خداوند این نگرانی را بیشتر کند. رسول خدا (ص) فرمود: به راستی که خداوند کار گزارانی دارد و این زن از آنها است. برای او نصف اجر شهید در راه خداست. (حرعاملی، ج ۲۰، ص ۳۲)

دو. تعدیل دیدگاه مُراجع در خصوص ویژگی‌های همسر شایسته

به‌طور طبیعی هر فرد مشتاق ازدواج در جست‌وجوی همسری است که از بیشینه امتیازات ممکن برخوردار بوده و نقاط ضعف او در پایین‌ترین حد ممکن باشد. ولی آیا چنین چیزی ممکن است؟ آیا در صورت وجود این چنین فردی، یافتن او محتمل است؟ بر فرض یافتن، آیا انتظارات طرف مقابل با مشخصات ما قابل تطبیق است؟

این‌گونه پرسش‌ها ما را بر آن می‌دارد که از نگرش ایده‌آلی به انتخاب همسر، دست برداشته، واقعیات زندگی را بیشتر در نظر گیریم. با توجه به دشواری جمع شدن همه امتیازات در یک فرد و اینکه هر فرد معمولاً از نقایصی برخوردار است، این سؤال مطرح خواهد شد که آیا جست‌وجوی فردی که از بین معیارهای همسر شایسته «بیشترین» آنها را دارا باشد، صحیح است؟ پاسخ این پرسش آن است که این شیوه در صورتی صحیح است که معیاری که فرد فاقد آن است، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار نباشد. اما اگر معیار مورد نظر بسیار مهم و ضروری باشد، نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ هر چند وی سایر ملاک‌های همسر شایسته را داشته باشد. به‌عنوان مثال، اگر فردی از ویژگی‌های مثبت زیبایی، ثروت، اصالت خانوادگی، سن مناسب و... برخوردار باشد، اما

فاقد سلامت عقلی باشد، نمی‌توان این عیب را نادیده گرفت و به طمع ویژگی‌های مثبت، از آن گذشت.

بنابراین، بهتر است معیارها را اولویت‌بندی کنیم. معیارهای اولویت اول که آنها را ضروری، کلیدی، اصلی و... نیز می‌خوانیم، معیارهایی است که حتماً باید در طرف مقابل احراز شود و در صورتی که هر یک از آنها احراز نشود، نمی‌توان فردی را که فاقد آن است، همسری شایسته قلمداد نمود. معیارهای اولویت دوم که غیر ضروری، فرعی، قابل اغماض و... نیز خوانده می‌شود، شامل ویژگی‌هایی است که وجود آنها در طرف مقابل حسن و فضیلت محسوب می‌شود، ولی می‌توان در شرایطی فقدان آنها را نادیده گرفت. بنابراین، طلاب نیز باید ضمن توجه به اهمیت معیارهای ضروری، احراز آنها را در طرف مقابل وجهه همت خویش قرار دهند و از توجه افراطی به ویژگی‌های ترجیحی و غیر ضروری احتراز کنند.

سه. طبقه‌بندی معیارهای انتخاب همسر

پس از آنکه لیستی از معیارهای انتخاب همسر را تهیه کردیم، نوبت آن می‌رسد که آنها را در دو اولویت ضروری و غیر ضروری قرار دهیم. اگر برای دسته‌بندی معیارهای انتخاب همسر فاقد ملاک مشخص باشیم، دچار ابهام و سردرگمی می‌شویم و نمی‌دانیم که مثلاً معیار سن همسر یا زیبایی ظاهری او را در اولویت اول یا اولویت دوم قرار دهیم. پس در نظر گرفتن ملاک سنجش معیارها امری اجتناب‌ناپذیر است. امور زیر می‌تواند تعیین‌کننده میزان اهمیت معیارها باشد:

۱. نقش معیار مورد نظر در تأمین اهداف ازدواج

هر یک از معیارهای انتخاب همسر که همسویی بیشتری با اهداف ازدواج داشته باشد، به طوری که با فقدان آن، اهداف اساسی ازدواج تأمین نشود، معیار ضروری است، و هر کدام که نقش اساسی در نیل به اهداف ازدواج نداشته و اهداف ازدواج بدون آنها نیز تأمین شود، معیاری غیر ضروری خواهد بود. به عنوان مثال، دو معیار «خصوصیات اخلاقی» و «همسانی در رشته تحصیلی» از ارزش یکسان برخوردار نیستند. اندکی تأمل در خصوص کارکردهای «اخلاق» مؤید آن است که وجود اخلاق نیکو در همسر، عامل اساسی نیل به اهداف ازدواج به شمار می‌رود، حال آنکه «همسانی در رشته تحصیلی»

تأثیر چندانی در نیل به آرامش، تأمین نیازهای جنسی، پرورش فرزندان صالح، تکامل اخلاقی و... نخواهد داشت. بنابراین، معیار «اخلاق» در زمره اولویت‌های نخست و معیار «همسانی در رشته تحصیلی» در شمار اولویت‌های پسین است.

۲. عمق و گستره تأثیرگذاری در زندگی مشترک

تأثیر برخی از معیارهای انتخاب همسر در زندگی مشترک بسیار عمیق و گسترده، و تأثیر برخی دیگر سطحی و محدود است. بر این اساس، می‌توان معیارهای نوع اول را در زمره معیارهای ضروری و معیارهای نوع دوم را در ردیف معیارهای غیرضروری طبقه‌بندی کرد. به عنوان نمونه، تأثیر عامل «ایمان» در زندگی مشترک آن‌چنان عمیق و گسترده است که نتایج آن نه تنها تا پایان حیات دنیوی، بلکه تا زندگی اخروی نیز استمرار خواهد یافت. در مقابل، عامل «همشهری بودن» نقش چندان عمیق و گسترده‌ای در زندگی خانوادگی نخواهد داشت. بنابراین، ایمان از معیارهای ضروری و همشهری بودن از معیارهای غیرضروری قلمداد خواهد شد.

۳. میزان تأکید منابع دینی

از آنجا که خداوند متعال ازدواج را برای تکامل و سعادت انسان مقرر کرده است، عواملی را که تأثیر بیشتری در تأمین آن دارد، مورد تأکید بیشتر، و عوامل کم تأثیر را مورد عنایت کمتری قرار داده است. توجه به میزان تأکید منابع دینی در مورد هر یک از معیارها، راهنمای مناسبی برای سنجش ارزش آنها می‌باشد. مثلاً در آیه ۲۲۱ سوره بقره خداوند متعال می‌فرماید: «و لا تنکحوا المشرکات حتی یؤمنن و لآمة مؤمنة خیر من مشرکة ولو اعجبکم و لا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا و لعبد مؤمن خیر من مشرک ولو اعجبکم اولئک یدعون الی النار و اللہ یدعو الی الجنة و المغفرة باذنه...»؛ «با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان آورند و یک کنیز با ایمان بهتر است از زن مشرک، هر چند آن زن مشرک شمارا خوش آید، و به مردان مشرک زن ندهید تا ایمان آورند، که یک برده مؤمن از مرد مشرک بهتر است هر چند آن مرد مشرک که خوشایندتان باشد. آری مشرکین شمارا به سوی آتش دعوت می‌کنند و خدا به سوی جنت و مغفرتی به اذن خود می‌خواند...»

در این آیه، خداوند معیارهای ایمان، آزاد بودن و سایر خصوصیات اعجاب‌آور

همچون زیبایی و ثروت را متذکر و برای هر یک ارزشی قائل شده است. در این میان، معیار ایمان تا آنجا مهم شمرده شده که مردان و زنان با ایمان از ازدواج با افراد مشرک و فاقد ایمان نهی شده‌اند، حتی اگر از نظر سایر خصوصیات از موقعیتی کاملاً ایده‌آل برخوردار باشند. اولویت‌بندی معیارها از این آیه به خوبی استفاده می‌شود. البته قرآن کریم دلیل این تفاوت در اولویت‌گذاری را بیان فرموده و استدلال کرده است که افراد مشرک، همسران خود را به سوی آتش دعوت می‌کنند و خداوند با تأکید بر ایمان همسر، مردم را به سوی بهشت و مغفرت خویش فرامی‌خواند. از این استدلال به خوبی روشن می‌شود که طبقه‌بندی معیارها از سوی قرآن کریم براساس تأثیر هر معیار در سعادت فردی و خانوادگی افراد صورت می‌گیرد.

با توجه به اندیشه‌های ناصواب بسیاری از داوطلبان ازدواج در خصوص اهمیت دادن به برخی معیارهای کم‌ارزش و ارزش ندادن به معیارهای ارزشمند، مباحث فوق در جلسه مشاوره می‌تواند تا حد زیادی به اصلاح دیدگاه‌های مراجعین کمک کند.

چهار. طبقه‌بندی معیارها

گام بعدی در مشاوره ازدواج آن است که مراجع براساس ملاک‌های سه‌گانه پیش گفته بتواند معیارهای متعدد همسر شایسته را در دو طبقه ضروری و غیر ضروری اولویت‌بندی نماید. بدین منظور بهتر است ابتدا در جلسه مشاوره و با کمک مشاور تمامی معیارها فهرست شود و سپس مشاور از مراجع درخواست کند که در فاصله جلسه بعد روی معیارهای مذکور اندیشیده، سپس آنها را طبقه‌بندی کند. این طبقه‌بندی باید در جلسه بعدی مشاوره موضوع بحث قرار گیرد و مشاور تلاش کند که طبقه‌بندی پیشنهادی مراجع را مورد نقد و بررسی قرار دهد. اینک به طور اجمال به بررسی و طبقه‌بندی عمده‌ترین معیارهای همسر شایسته می‌پردازیم:

الف. معیارهای ضروری

۱. اخلاق

بدون شک اخلاق از جمله ضروری‌ترین ویژگی‌های همسر شایسته است. اگر همسران از ویژگی‌های اخلاقی ارزشمندی مانند صداقت، مسئولیت‌پذیری، وفاداری،

اعتماد، احترام، مهربانی، دلسوزی، فروتنی، صبر، گذشت، نرم‌خویی، عفت، خیرخواهی و انصاف برخوردار باشند و از اموری مانند خودخواهی، خودمحوری، برتری جویی، حسادت، بخل، طمع، کینه‌توزی، ناسپاسی، عیب‌جویی، فحاشی و لجاجتی میرا باشند، بسیاری از تنش‌ها، بد رفتاری‌ها، خشونت‌ها و اختلافات ویرانگر از ساحت زندگی خانوادگی رخت بر خواهد بست. (حسین بستان، ص ۲۱۸) آراسته بودن به خصوصیات ارزشمند اخلاقی و میرا بودن از ویژگی‌های ناپسند اخلاقی زمینه‌نیل به مهم‌ترین هدف ازدواج یعنی آرامش را فراهم می‌سازد.

اهمیت موضوع اخلاق از تأکید منابع دینی نیز قابل استفاده است. به‌عنوان نمونه، در حدیثی آمده است که شخصی در نامه‌ای به امام رضا (ع) عرضه داشت: «یکی از خویشان من که قدری هم بداخلاق است، از دخترم خواستگاری کرده است.» امام (ع) در پاسخ فرمودند: «اگر بداخلاق است، دخترت را به او نده.» (حرعاملی، ج ۲۰، ص ۸۱) تأکید تفصیلی برخی از روایات بر ویژگی‌های اخلاقی همسران نیز نشانگر اهمیت فوق‌العاده معیار اخلاق می‌باشد. (همان، ص ۲۷-۳۸)

۲. ایمان

ایمان به معنای اعتقاد قلبی به خدا، پیامبران و جهان دیگر است. البته لازمه‌ای این باور قلبی، گفتار و رفتار منطبق بر آن نیز هست. به‌طور کلی، ایمان مذهبی از دو راه بر ثبات و آرامش زندگی خانوادگی تأثیرگذار است:

نخست از راه تقویت و تحکیم مبانی اخلاقی افراد. به این معنا که باور دینی مهم‌ترین عاملی است که رفتار منطبق با موازین اخلاقی همسر را تضمین می‌کند. امام حسن مجتبی (ع) در حدیثی می‌فرماید: «دختر خویش را به ازدواج شوهر متدین و پرهیزگار در آورید؛ زیرا چنین شخصی اگر دخترتان را دوست بدارد، او را اکرام خواهد کرد و چنانچه او را نپسندد، به وی ستم روا نخواهد داشت.» (طبرسی، ص ۲۰۴)

راه دوم عبارت است از تأثیر ایمان مذهبی در معنا بخشیدن به زندگی و ایجاد حس رضایت در افراد. ایمان مذهبی و اعتقاد به وعده‌های الهی، مؤثرترین عامل در جهت ایجاد حس رضایت و امید به آینده و در نتیجه، سازگاری با ناملازمات و دشواری‌های زندگی است. (حسین بستان، ص ۲۱۹)

وینز و همکاران (۱۹۸۵)، با فراتحلیل ۵۶ مورد آزمایشی، درباره مذهب و احساس

خشنودی بیان کردند که خشنودی زناشویی، تحت تأثیر مذهب قرار دارد. مذهب و پابندی به آن می‌تواند میزان طلاق را در افراد مذهبی تا حدود نصف کاهش دهد. (مجتبی حیدری، ص ۳۳ - ۳۵)

با توجه به نقش بسیار عمیق و گسترده ایمان در تقویت مبانی خانواده، قرآن کریم ایمان و باورهای دینی همسر را در اولویت نخست قرار داده و در آیات متعددی بر آن به‌عنوان عاملی کلیدی تأکید کرده است. (بقره / ۲۲۱؛ ممتحنه / ۱۰ و...) در اینجا تنها به یک مورد اشاره می‌شود: هنگامی که برخی از همسران پیامبر (ص) در صدد آزار ایشان بر آمدند، خداوند متعال در پنجمین آیه از سوره تحریم ضمن هشدار به این همسران خطاکار، صفات همسران شایسته را بیان می‌کند: عسی ربه ان یتلکن ان یتدلنه ازواجاً خیراً منکن مسلمات مؤمنات قانتات ثابتات عابدات سائحات نئیات و ابکارا؛ «امید است اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش همسرانی بهتر از شما روزی اش کند که مسلمان، مؤمن، فرمانبردار، توبه‌کننده، پرستش‌گر و روزه‌دار باشند که یا بیوه باشند و یا دوشیزه.»

در این آیه شش ویژگی از هفت خصوصیتی که مورد توجه قرار گرفته، مربوط به امور معنوی و رابطه فرد با خدا است که به‌طور قاطع و بدون جایگزین به‌عنوان ویژگی‌های همسر شایسته مطرح شده است. حال آنکه ویژگی «دوشیزه بودن» همراه با جایگزین «بیوه بودن» ذکر شده است. این تفاوت در تعبیر و تأکید ویژه بر امور معنوی نشانگر آن است که از دیدگاه خداوند متعال، تدین و ایمان همسر از جمله کلیدی‌ترین خصوصیات همسر شایسته محسوب می‌شود.

علاوه بر هماهنگی دو طرف در اصل ایمان و باورهای دینی، هماهنگی آنان در مراتب ایمان نیز باید مورد توجه قرار گیرد. به این معنا که میزان تقید دو طرف به ارزش‌های دینی تا حدود زیادی نزدیک به یکدیگر باشد. اینکه گفته شده اگر حضرت علی (ع) نبود، هم‌تا و همانندی برای ازدواج با حضرت زهرا (س) در میان انسان‌ها یافت نمی‌شد (حرعاملی، ج ۲۰، ص ۷۴) اشاره به اهمیت همانندی دو طرف در میزان ایمان و پابندی دینی آنان دارد. (محمدرضا سالاری فر، ص ۳۴)

رسول خدا (ص) نیز در روایتی که مرد مسلمان را کفو و هم‌شان زن مسلمان، و مرد مؤمن را کفو و هم‌شان زن مؤمن معرفی می‌کنند، این هماهنگی را مورد توجه قرار داده‌اند.

۳. سلامت جسمی و روانی

سلامت جسمی و روانی نیز از جمله معیارهای بسیار مهمی است که باید در همسرگزینی به آن توجه شود. سلامت جسم از بیماری‌های صعب‌العلاج و نیز بیماری‌هایی که ارضای غریزه جنسی را با مخاطره مواجه می‌سازد، از عوامل مؤثر در تأمین اهداف ازدواج به‌ویژه آرامش به‌شمار می‌رود. در عین حال خاطر نشان می‌شود که ممکن است در برخی موقعیت‌ها، فرد به دلیل مصالح مهم‌تر و یا به دلیل سایر ویژگی‌های مطلوب طرف مقابل و یا به خاطر نقص جسمانی خویش، از عامل سلامت طرف مقابل چشم‌پوشی کرده، به ازدواج با او اقدام کند. این قبیل امور ممکن است مشکلات ناشی از عدم سلامتی همسر را تا حد زیادی کاهش دهد.

مصونیت از بیماری‌هایی که با سلامت عقلانی افراد در تقابل است، نیز عاملی مؤثر در نیل به اهداف ازدواج به‌شمار می‌رود. به همین دلیل رسول خدا (ص) فرمودند: «از ازدواج با زن احمق پرهیزید؛ زیرا هم‌نشینی با او تباهی است و فرزندانش کفتارصفت هستند.» (محمدباقر مجلسی، ج ۱۰۳، ص ۲۳۷) از این حدیث روشن می‌شود که آسیب‌های عقلانی، اهداف آرامش و پرورش فرزند را به مخاطره می‌اندازد.

ناپهنجاری‌های حاد روانی همچون اضطراب، افسردگی و وسواس شدید نیز از آن‌رو که سلب آرامش خانواده را به دنبال دارد، باید در انتخاب همسر مورد توجه قرار گرفته، افراد پس از احراز حداقل سلامت روانی طرف مقابل، اقدام به ازدواج با او نمایند.

۴. اصالت خانوادگی

تأثیرگذاری خانواده بر خصوصیات فرزند از جهاتی قابل توجه است:

- وراثت: با توجه به اینکه ویژگی‌های وراثتی والدین به فرزندان منتقل می‌شود، رسول خدا (ص) به ازدواج با خانواده شایسته سفارش کرده‌اند: «با خانواده خوب و شایسته ازدواج کنید، زیرا خون اثر دارد.» (طبرسی، ص ۱۹۷)

- تربیت: سبک تربیتی والدین نیز عاملی مؤثر در شکل‌گیری شخصیت فرزند محسوب می‌شود. از این‌رو توجه به ویژگی‌های والدین ضرورتی دوباره می‌یابد.

از آنجا که خانواده تازه تشکیل‌یافته ناچار از ارتباط تنگاتنگ با خانواده همسر است، در صورتی که خانواده همسر از صفات مثبت اخلاقی و ایمانی برخوردار نباشند، علاوه بر آنکه آرامش خانواده جدید تهدید می‌شود، این زوج در پرورش فرزند نیز دچار تربیت

متضاد شده، در تربیت فرزند صالح با مشکل مواجه می‌شوند. البته این مورد استثنا را نیز نباید از نظر دور داشت که گاه ممکن است فرزندی که در خانواده نامناسب رشد یافته، به هیچ وجه تحت تأثیر تربیت خانواده خود قرار نگیرد و مسیری دیگر را برای زندگی خود برگزیند. در چنین موقعیتی ممکن است بتوان ضمن تفاهم با همسر، تأثیر گذاری منفی خانواده را تا حدود زیادی کاهش داد.

ب. معیارهای غیر ضروری

۱. زیبایی

این مطلب قابل انکار نیست که بین زیبایی، به ویژه زیبایی زن، و افزایش جاذبه جنسی ارتباط معناداری وجود دارد. به نظر می‌رسد زوج‌هایی که دچار اختلال و تزلزل خانوادگی شده و به طور طبیعی به طلاق و جدایی می‌اندیشند، در هنگام محاسبه سود و زیان، عامل زیبایی را نیز در کنار دیگر عوامل در نظر می‌گیرند. (حسین بستان، ص ۱۸۰) اما با وجود اهمیتی که عنصر زیبایی دارد، نمی‌توان آن را از جمله معیارهای ضروری انتخاب همسر به حساب آورد؛ زیرا همچنان که در مباحث مربوط به ایمان و اخلاق گفته شد، گستره تأثیر ایمان و اخلاق همسر، زندگانی دنیا و حیات اخروی را در بر می‌گیرد، حال آنکه جذابیت ظاهری گستره‌ای بیش از سال‌های نخست زندگی مشترک را در بر نمی‌گیرد.

عواملی چون اخلاق بدون هیچ قید و شرطی آرامش زندگی مشترک را تضمین می‌کند؛ در حالی که عنصر زیبایی گاه به سلب آرامش خانوادگی منجر می‌شود، مانند زمانی که زیبایی همسر حالت غرور و فخر فروشی به او بخشیده و موجبات ناسازگاری او را فراهم آورد، و یا زیبایی خیره‌کننده او چشمان هوس آلود را به خود جلب کرده و به آرامش زندگی لطمه زند.

از این رو، اسلام ضمن توجه به عنصر زیبایی همسر و ارائه شاخص‌هایی برای احراز آن (محمدباقر مجلسی، ج ۱۰، ص ۲۳۱-۲۳۷) زیبایی را به مثابه عنصری ضروری در انتخاب همسر در نظر نگرفته و در موقعیتی که جمع زیبایی و ایمان میسر نشود، دینداری را ترجیح داده است. رسول خدا (ص) فرمودند: «هر که با زنی تنها به خاطر زیبایی اش ازدواج کند، دلخواه خود را نبیند... پس بر شما باد به [ازدواج با] زنان متدین.»

(حرعاملی، ج ۲۰، ص ۵۰) البته لازم است به این نکته توجه شود که در مجموع باید طرف مقابل مورد پسند فرد داوطلب ازدواج قرار گیرد. بنابراین در صورتی که ویژگی‌های ظاهری فرد به هیچ وجه مورد پسند نبوده و سایر خصوصیات وی نیز نتواند این خلأ را پر کند، و در نهایت مورد علاقه قرار گیرد، چنین ازدواجی توصیه نمی‌شود؛ زیرا هرچند احتمال این امر وجود دارد که علاقه‌مندی و محبت پس از گذشت چندی از ازدواج بین زوجین ایجاد شود، ولی در موقعیتی که کمترین احساس دلستگی به طرف مقابل وجود ندارد، این احتمال بسیار اندک است و خطر عدم تحقق علاقه موجب آن می‌شود که مشاور آگاه چنین ازدواجی را به مراجع خود توصیه نکند و از او بخواهد تا در برابر فشارهای بیرونی مقاومت کند.

ناگفته نماند که برخی از دیدگاه‌های کاملاً افراطی یا تفریطی در خصوص زیبایی همسر، ذهن گروهی را مشوش کرده است. این وظیفه مشاور دلسوز و آگاه است که با تبیین همه جانبه موضوع، دیدگاه‌های مزبور را نقد و بررسی کرده، دیدگاه متعادل را در این خصوص تشریح کند.

۲. تحصیلات

افراد دارای تحصیلات عالی نسبت به بقیه مردم بینش‌ها و نگرش‌های متفاوتی دارند و در نتیجه ترجیح می‌دهند بیشتر با کسانی رابطه برقرار کنند که در سطح تحصیلی مشابهی قرار دارند. (حسین بستان، ص ۴۱) با این وجود میزان تحصیلات را نمی‌توان به مثابه عاملی اساسی در انتخاب همسر در نظر گرفت؛ زیرا برخورداری از سطوح عالی تحصیلاتی همواره مستلزم برخورداری از سطوح عالی بینش و نگرش نیست. بنابراین نمی‌توان تحصیلات بالا در یک رشته علمی را همواره با افزایش سطح درک و بینش فردی همراه دانست. افزایش سطح معلومات گاه تنزل سطح اخلاقی افراد را به همراه می‌آورد. غرور علمی، حسادت، حق‌ناپذیری، مجادله و... برخی از آفت‌های اخلاقی دانش بدون تزکیه و تهذیب به شمار می‌رود.

اگر میزان بالایی تحصیلات را به عنوان یک امتیاز در نظر بگیریم، نمی‌توان آن را یک ضرورت شمرد، خصوصاً آن گاه که نسبت زنان و مردان تحصیل کرده ناهمگون شده باشد. در چنین موقعیتی، اگر داوطلبان ازدواج، تنها به زندگی با فردی همسان یا بالاتر از خود به لحاظ تحصیلی بیندیشند، قطعاً شرایط ازدواج برای افراد بسیاری فراهم نخواهد شد.

برخی از طلاب برخوردار بودن یا نبودن همسر از تحصیلات حوزوی را به عنوان معیاری بسیار مهم در انتخاب همسر قلمداد می کنند. مباحث گذشته، ضعف این دیدگاه را روشن می کند. مشاور آگاه باید به مراجع توجه دهد که تأکید زیاده از حد بر این معیارهای فرعی، زمینه توجه و احراز معیارهای اساسی و اصلی را از او می گیرد. مراجع باید بدانند مهم تر از طلبه بودن یا نبودن، صفات راسخ او از جمله ایمان و اخلاق است.

۳. سن

در بیشتر جوامع این هنجار وجود دارد که شوهر باید کمی (در حدود یک تا ده سال) از زن خود بزرگ تر باشد. این هنجار ریشه در عوامل متعددی دارد؛ از جمله: دختران از لحاظ زیستی چند سال زودتر از پسران به بلوغ جنسی می رسند، همان گونه که زنان زودتر از مردان قابلیت باروری را از دست می دهند و تمایلات جنسی مردان دیرتر از زنان فروکش می کند. احتمالاً از این رو، دختران باید چند سال زودتر از پسران ازدواج می کرده اند تا از اوایل دوره ای که هیجانات جنسی و قابلیت باروری در آنها بروز می کند، شوهردار باشند و در آخر دوره نیز تقریباً همزمان با شوهران خود از فعالیت های جنسی فاصله گیرند.

تقریباً در همه جوامع مردان مسئول اصلی تأمین مخارج مالی خانواده اند؛ بنابراین مسئولیت اقتصادی مردان باعث می شده که آنان تا زمانی که از جهت اقتصادی آمادگی تأمین و اداره خانواده را نداشته اند، نتوانند ازدواج کنند، اما از ناحیه دختران این الزام اقتصادی وجود نداشته، می توانسته اند پس از بلوغ ازدواج کنند. (همان، ص ۲۹)

بر اساس نکات فوق بهتر است سن مرد آماده برای ازدواج از سن زن تا حدود شش سال بیشتر باشد که این میزان مربوط به فاصله سن بلوغ شرعی دختران (۹ سالگی) و پسران (۱۵ سالگی) می شود، و متناسب با آن است. در عین حال، این میزان اختلاف سنی معیاری ضروری برای انتخاب همسر محسوب نمی شود؛ زیرا هنجار مذکور ممکن است از لحاظ اجتماعی مشکل آفرین شود. از آن رو که مردان هر طبقه سنی با زنان طبقه سنی قبلی ازدواج می کنند و مفروض این است که از سویی، تعداد زنان هر طبقه سنی از تعداد مردان همان طبقه بیشتر است و از سوی دیگر، جمعیت جوان از جمعیت مسن تر بیشتر می باشد؛ از این رو تعداد مردانی که از طبقه سنی بالاتر می خواهند با زنان طبقه سنی پایین تر ازدواج کنند، بسیار کمتر خواهند بود و در نتیجه تعداد زیادی از زنان

نمی‌توانند شوهران مناسب خود را بیابند و ناچار خواهند بود که یا به ازدواج با شوهرانی تن در دهند که از جهت سنی تناسبی با آنها ندارند و یا هیچ‌گاه ازدواج نکنند. (همان)

چنانچه زوجین از جهت معیارهای اصلی انتخاب همسر، همچون اخلاق و ایمان دارای هماهنگی لازم باشند، و با آگاهی از پیامدهای ناهمسازی سنی ازدواج کنند، صرف ناهمسازی سنی نمی‌تواند به‌عنوان عامل زمینه‌ساز اختلاف و ناسازگاری مطرح شود؛ همچنان که یکی از بهترین خانواده‌های دنیا، از رسول خدا (ص) در سن ۲۵ سالگی و خدیجه کبرا در سن ۴۰ سالگی شکل گرفته است. (ابراهیم بابایی آملی، ص ۳۶)

جهت‌گیری کلی دین اسلام نسبت به موضوع سن همسران در شکل انعطاف‌پذیری تجلی می‌یابد، و از این‌رو در متون اسلامی تأکیدی بر این هنجار نفیاً یا اثباتاً مشاهده نمی‌شود. (حسین بستان، ص ۴۱)

۴. وضعیت مطلوب اقتصادی

برخورداری از ثروت و تمکن مالی در شروع و تداوم زندگی مشترک، بی‌تأثیر نیست. بنابراین، برخورداری از حداقل تمکن مالی از عواملی است که در استحکام پیوند زناشویی مؤثر است و در انتخاب همسر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. با وجود این، دلایل زیر موجب می‌شود که تأمین مالی و به‌ویژه ثروتمندی و برخورداری از درآمد کلان را از جمله معیارهای اساسی انتخاب همسر به‌شمار نیاوریم:

به گفته برخی محققان، رفاه و توسعه اقتصادی بالا نیز همانند فقر اقتصادی به ثبات خانواده آسیب می‌رساند. برحسب پژوهش‌های انجام شده «جوامع بسیار فقیر و جوامع بسیار ثروتمند، بالاترین میزان طلاق را دارا هستند و کشورهایی که از حیث توسعه اقتصادی در سطح متوسط هستند، میزان طلاق پایین‌تری دارند.» (همان، ص ۱۹۹)

رفاه و ثروت فراوان گاه می‌تواند زمینه بروز صفات ناپسندی همچون تکبر و فخرفروشی، حرص و فزون‌طلبی، آرزوهای دراز و... را فراهم آورد. هر یک از صفات فوق نیز می‌تواند خود به کشمکش همسران و بروز شقاق بین آنان منجر شود. به همین دلیل، رسول خدا (ص) در روایتی مردان را از ازدواج با زنان، به‌صرف ثروتمند بودن آنان، بر حذر داشته و فرموده‌اند: «کسی که با زنی تنها به خاطر ثروتش ازدواج کند، خداوند او را به خودش وا می‌گذارد. پس با فرد دیندار ازدواج کنید.» (محمدباقر مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۲۳۵)

خداوند متعال نه تنها ضعف بنیه اقتصادی دختر و پسر را مانع ازدواج نمی‌داند، بلکه وعده داده است که کاستی‌های اقتصادی آنان را جبران نماید. (نور / ۳۲)

علاوه بر ازدواج که عامل افزایش روزی محسوب می‌شود، طلب علم نیز یکی از عوامل مؤثر در آن به‌شمار می‌رود. رسول خدا (ص) در تبیین ارتباط علم‌آموزی با برکت و معیشت می‌فرماید:

من غذا فی طلب العلم اظلت علیه الملائكة و بورک له فی معیشته و لم ینقص من رزقه. (محمدباقر مجلسی، ج ۱، ص ۱۸۴) «کسی که در طلب علم روز خود را آغاز کند، فرشتگان بر او سایه افکن شده، معیشت او برخوردار از برکت شده و رزق او کاستی نمی‌یابد.»

البته تحقق این وعده الهی منوط به احساس مسئولیت طرفین، فاصله گرفتن از سستی و تنبلی، و پرهیز از بلندپروازی و توقعات مادی غیرضروری است.

از مطالب فوق این نکته حاصل می‌شود که هرچند وضعیت مطلوب اقتصادی طرف مقابل می‌تواند نقش مؤثری در زندگی مشترک ایفا کند، اما این عامل در صورتی تأثیر مثبت برجا می‌گذارد که با عوامل ضروری دیگر همچون اخلاق و ایمان قرین باشد. بر این اساس، صرف تمکن مالی و ثروت به‌عنوان معیارهای اساسی در انتخاب همسر به‌شمار نمی‌رود.

۵. همسانی اجتماعی

همسانی اجتماعی دو طرف ازدواج که می‌تواند در قالب وحدت نژادی، قومی، طبقه اجتماعی، محل سکونت و... تصور شود، به نزدیک‌تر شدن افق فکری زوجین و سازگاری بیشتر آنها منجر می‌گردد. هرچند این‌گونه همسانی‌ها تسهیل در ادراک صحیح رفتار طرف مقابل را به همراه دارد، ولی نمی‌توان آن را به‌عنوان معیاری ضروری در انتخاب همسر در نظر گرفت؛ زیرا همسانی دختر و پسر در معیارهای اصلی که در گذشته به آن اشاره شد، تأثیر اختلاف اجتماعی را تا حدود بسیاری کاهش می‌دهد. اختلافات و ناهماهنگی‌های اجتماعی از این دست، با طولانی‌تر شدن عمر زندگی مشترک، رو به کاهش گذاشته و هر دو طرف با آداب و رسوم و ویژگی‌های اجتماعی طرف مقابل آشنا تر می‌شوند.

اسلام هماهنگی اجتماعی همسران را به‌عنوان عاملی ضروری در نظر نگرفته و حتی در مواردی با نادیده گرفتن این عامل، به ازدواج دو طرف با وجود شدت اختلاف

اجتماعی تأکید کرده است. از جمله این موارد تأکید پیامبر اکرم (ص) به ازدواج زینب بنت جحش با زیدبن حارثه (احزاب / ۳۶)، ضباعه دختر زبیر بن عبدالمطلب با مقداد بن اسود (حرعاملی، ج ۲۰، ص ۶۹-۷۱)، و جویرب با ذلفا دختر زیاد بن لیبید (محمدباقر مجلسی، ج ۲۲، ص ۱۱۷-۱۲۱) است. ضمن آنکه در میان ائمه معصومین (ع) گروهی با کنیزان ازدواج کرده‌اند، و مقام و منزلت معنوی آن بانوان باعث شده است تا امامان بزرگوار، شأن اجتماعی به ظاهر پایین آنان را به دیده اغماض نگرسته، آنان را لایق مقام مادری معصومین (ع) بدانند. مثلاً امام صادق (ع) کنیزی بزرگوار از اهالی بربر به نام حمیده را به ازدواج خود درآورد. (کلینی، ج ۱، ص ۴۶۷) همسر امام موسی بن جعفر (ع) کنیز و نامش نجمه بود. همسر امام علی بن موسی الرضا (ع) کنیز و نامش خیزران بود. همسر امام جواد (ع) کنیز و نامش سوسن بود. همسر امام هادی (ع) که او هم کنیز بود، سمانه نام داشت و بالاخره نام مبارک همسر امام حسن عسکری و مادر حضرت بقیه‌الله الاعظم - علیهما السلام - نیز که کنیز بودند، نرجس بود. (محمدباقر مجلسی، ج ۳۶، ص ۱۹۳)

پنج. شیوه‌های احراز معیارها

گام‌های پیشین در مشاوره ازدواج به تحکیم مبانی فکری مراجع در مورد موضوع ازدواج و انتخاب همسر کمک شایانی می‌کرد. پس از روشن شدن اهداف و معیارهای همسرگزینی، سؤال بسیار اساسی و مهم مراجع آن است که چگونه می‌توانم این معیارها را در مورد یک فرد معین احراز کنم. در اینجا به اختصار برخی از شیوه‌های تشخیص معیارها را در فرد مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. مشاهده

مشاهده یکی از روش‌های مؤثر و کارآمد در تحقیقات موردی است. اطلاعاتی را که از طریق مشاهده می‌توان کسب کرد، از روش‌های دیگر کمتر می‌توان به دست آورد؛ زیرا مشاهده به فرد اجازه می‌دهد که مستقیماً پدیده مورد مطالعه را ببیند و واقعیت را به صورت مستقیم یا بی‌واسطه درک کند. این یک واقعیت است که شنیدن ویژگی‌های فرد

مورد مطالعه نمی تواند ارزش دیدن آن را داشته باشد. (محمدرضا حافظ‌نیا، ص ۱۷۶) زمانی که فرد برای ازدواج خود موردی را در نظر داشته باشد که به دلیل خویشاوندی، قربات محل سکونت و... در دوران کودکی و نوجوانی رفتار او را مشاهده کرده باشد، می تواند مشاهدات پیشین خود را به عنوان یکی از مبانی تشخیص معیارها قرار دهد. شکل دیگر استفاده از این روش آن است که فرد به صورت کنترل نشده، رفتار طرف مقابل را در کلاس درس، محیط دانشکده، دانشگاه و... زیر نظر گرفته و رفتارهای او را که به هدف تحقیق نزدیک تر است، ثبت و ضبط کند. مشاهده غیرعلنی نیز نمونه دیگری از شناخت طرف مقابل از طریق مشاهده به شمار می رود. در این روش، مشاهده گر به صورت علنی در محیط ظاهر نمی شود، بلکه به صورت غیر رسمی در محیط حضور پیدا می کند و محیط را زیر نظر می گیرد. (همان، ص ۱۸۰)

محاسن و محدودیت‌های روش مشاهده

در این روش که مشاهده گر به برقراری ارتباط مستقیم شنوایی و بینایی با محیط می پردازد، اطلاعات واقعی و دقیق تری به دست می آورد. در مشاهده به ویژه مشاهده غیرعلنی، مقاومت، جدل و مخالفت احتمالی بر سر گردآوری اطلاعات وجود ندارد. همچنین در مشاهده غیرعلنی احتمال رفتار تصنعی کاهش می یابد.

در عین حال محدودیت‌هایی موجب می شود که این روش از جایگاه والایی در شناخت طرف مقابل برخوردار نباشد؛ از جمله:

- برای کسب اطلاعات کافی از این طریق، زمان بسیاری لازم است.

- محدودیت قلمرو دید مشاهده گر مانع از این می شود که تمام صحنه و میدان را مشاهده کند.

- این روش تنها برای بررسی جلوه‌های مشهود رفتار مناسب است. بنابراین، شناخت عقاید، باورها، صفات شخصیتی، انگیزه‌ها، گرایش‌های باطنی و... از این طریق میسر نخواهد بود.

- در مشاهده علنی، اطلاعات به دست آمده، فاقد اعتبار لازم است.

- استفاده از این روش با شئون طلبگی چندان سازگار نیست.

در مجموع می توان روش مشاهده را مثبت ارزیابی کرد، اما این امکان وجود دارد که از این طریق به اطلاعات فراوانی دسترسی پیدا نکنیم.

ب. گفت و گو

در این روش، اطلاعات مورد نیاز از طریق گفت و گوی فرد با طرف مقابل به دست می‌آید. این روش امروزه موارد بیشتری از کاربرد را در شناخت طرف مقابل احراز کرده است و به جز برخی فرهنگ‌ها که گفت و گوی بیش از ازدواج دو طرف را بر نمی‌تابند، افراد معمولاً مشتاق آن هستند که با شریک آینده زندگی خویش از نزدیک آشنا شده، او را برای این انتخاب مهم محک زنند. برای استفاده مناسب از زمان محدود گفت و گو، توجه به نکات زیر توصیه می‌شود:

- حضور بدون برنامه‌ریزی قبلی در جلسه گفت و گو، نتیجه ارزشمندی را عاید فرد نمی‌کند. بنابراین، لازم است قبل از شروع جلسه در مورد فرد مقابل اطلاعاتی اجمالی به دست آورده، نقاط سؤال برانگیز را در مورد او شناسایی کنیم و پیرامون آن نقاط، سؤالاتی را مطرح نماییم.

- در ابتدای جلسه، ضمن سلام و احوال‌پرسی و حاکم ساختن فضای آرامش بر جلسه، باید انتظار خود را از گفت و گو بیان کرده، خاطر نشان سازیم که طرح این سؤالات صرفاً به منظور آشنایی هرچه بیشتر طرفین و سازگاری بیشتر در زندگی آینده صورت می‌گیرد.

- پرسش‌های خود را از طرف مقابل بدون موضع‌گیری خاص مطرح کنیم تا فرد مقابل پاسخی متناسب با دیدگاه خود ارائه دهد، و نه مناسب با موضعی که ما اتخاذ کرده‌ایم. مثلاً خانم می‌تواند به جای سؤال «یکی از آرزوهای من ادامه تحصیل است؛ نظر شما چیست؟» پرسد: «ادامه تحصیل را برای خانم‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟»

- گاه بهتر است در موردی که دغدغه آن را داریم، موضع مخالف اتخاذ کرده، نظر طرف مقابل را مورد ارزیابی قرار دهیم. مثلاً به جای سؤال اخیر که بالاخره به گونه‌ای اهتمام پرسشگر را به ادامه تحصیل نشان می‌دهد، پرسیم: «فکر نمی‌کنید ادامه تحصیل خانم، مشکلاتی را در رسیدگی آنان به امور همسر و فرزندان ایجاد کند؟»

- گاه بهتر است سؤال به صورت غیر مستقیم مطرح شود و مخاطب پی به نکته‌ای که پرسشگر در صدد کشف آن است، نبرد. مثلاً به جای آنکه پرسیم «آیا شما فرد منظم و با برنامه‌ای هستید؟» از او درخواست کنیم که برنامه روزانه خود را برای ما توضیح دهد. در این سؤال، خصوصیت نظم و انضباط فرد به طور غیر مستقیم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

– مفاهیم علاوه بر محتوای کلامی، از طریق تن صدا، سرعت گفتار، مقدار گفتار، لحن گفتار، حرکات بدنی، حالات چهره، وضعیت لباس و غیره نیز منتقل می‌شود. گاهی رفتار غیر کلامی مغایر پیام کلامی است. مثلاً به صورت خشک و نامنعطف نشستن بر روی صندلی نشانه اضطراب و فرورفتن در صندلی نشانه آرامش است. حال اگر طرف مقابل ادعا کند که از آرامش خاطر و اعتماد به نفس برخوردار است، اما با حالتی نامنعطف و خشک، روی صندلی نشستته باشد، رفتار غیر کلامی او مغایر پیام کلامی اش خواهد بود. (اون هارچی و...، ص ۵۰ و ۵۱)

– در این توصیف ولتر که «افراد را از پرسش‌هایشان بشناس، نه از پاسخ‌هایشان»، حقیقتی نهفته است. (همان، ص ۱۳۶). افراد معمولاً از اموری سؤال می‌کنند که برایشان از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابراین، باید نوع سؤالات طرف مقابل را به عنوان منبعی برای کسب اطلاعات مهم به شمار آوریم.

– سؤالات جلسه گفت و گو باید به گونه‌ای تنظیم شود که بتواند بیشتر جنبه‌های مهم مربوط به معیارهای انتخاب همسر را پوشش دهد. بنابراین، باید سؤالات را به گونه‌ای متنوع مطرح نمود. بهتر است در اولین جلسه بیشتر به طرح مسائل کلی بپردازیم و چنانچه در مورد امور کلی با وی اختلاف نظر نداشته‌ایم، جلسات گفت و گو را ادامه داده، مسائل جزئی‌تر را نیز مطرح نماییم. برای گزینش سؤال‌های مهم می‌توان به منابع حاوی این گونه پرسش‌ها از جمله کتاب ۱۰۰۱ پرسش بیش از ازدواج، تألیف مونیکا مندزلیپهی (ترجمه فرناز فرود، تهران، ۱۳۸۴، انتشارات صابرین) مراجعه کرد.

محاسن و محدودیت‌های گفت و گو

در گفت و گو می‌توان اهداف و مقاصد پرسش‌ها را برای طرف مقابل روشن ساخت و از این طریق، امکان درک، کشف و دریافت پاسخ‌های مناسب را فراهم آورد. نوع آزاد گفت و گو می‌تواند فرد مقابل را به ابراز عقیده آزاد و همراه با علاقه ترغیب کند. (محمد رضا حافظ نیا، ص ۱۷۵) همچنین در این روش می‌توان علاوه بر بررسی محتوای پیام تبادل شده، حالات و رفتارهای غیر کلامی فرد را نیز مورد توجه قرار داد.

در عین حال، امور زیر از کاستی‌ها و محدودیت‌های گفت و گو به شمار می‌رود:

– فرهنگ برخی خانواده‌ها گفت و گوی پیش از ازدواج دختر و پسر را بر نمی‌تابد و با زمان بسیار محدودی را به آن اختصاص می‌دهد.

- ناآشنایی دو طرف با اصول مصاحبه و گفت‌وگو، زمینه کسب اطلاعات محدود و تا اندازه‌ای غیرقابل اعتماد را فراهم می‌آورد.

- قابلیت تعبیر و تفسیر اطلاعات به‌ویژه در مصاحبه آزاد، پایین است و فرد باید دقت و حوصله فراوانی را صرف این کار کند. (همان، ص ۱۷۶)

در مجموع با وجود محدودیت‌های پیش‌گفته، در صورت رعایت قواعد مذکور می‌توان به کسب اطلاعات بیشتر و مورد اعتماد خوشبین بود.

ج. تحقیق

پرس‌وجو از افراد آگاه و مطلع، شیوه دیگری برای احراز معیارهای همسر شایسته است.

هرچند محور تحقیقات باید خود فرد باشد و طبق فرمایش امام صادق (ع): انما المرأة قلادة فانظر ما تتقلد؛ «زن در حکم گردن‌بند است، پس بررسی کن که چه چیزی را به گردن خود می‌آویزی» (حرعاملی، ج ۲۰، ص ۳۳) باید شخصیت فرد مورد بررسی دقیق قرار گیرد، اما لازم است در مورد دیگر اعضای خانواده او نیز (همچون پدر، مادر، خواهر، برادر و همسران آنها و نیز عمه، عمو، خاله و دایی) تا حدودی تحقیقات به عمل آید. با توجه به اهمیت و پیچیدگی تحقیق، لازم است کسی که این مسئولیت خطیر را بر عهده می‌گیرد، فردی با تجربه، امین، راستگو، دلسوز و صبور باشد و بدون پیش‌داوری و جانبداری مثبت یا منفی در مورد سوژه تحقیق به جمع‌آوری اطلاعات بپردازد و سپس بدون تعبیر و تفسیر اطلاعات، به ارائه اطلاعات دقیق اقدام کند.

برای آنکه تحقیق بتواند جوانب گوناگون را پوشش دهد، و یافته‌های تحقیق از حب و بغض پاسخ دهندگان آسیب‌نبیند، لازم است اشخاص متعددی مورد پرس‌وجو قرار گیرند. اقوام و خویشان، همسایگان، دوستان محل سکونت، اساتید و معلمان، مسئولین مدرسه، دانشگاه، خوابگاه، اداره و...، همکاران، فرد معرف، آشنایان و حتی دشمنان و مخالفان، نمونه کسانی است که می‌تواند ما را برای جمع‌آوری اطلاعات یاری دهند. گروه اخیر برای شناخت نقاط ضعف فرد و بررسی بیشتر آنها مفید هستند.

گستره تحقیق می‌تواند تمامی ابعاد اخلاقی، ایمانی، خانوادگی، اقتصادی، تحصیلی، شغلی، جسمی، روانی و... را در برگیرد. همچنین سؤالات و ابهاماتی که در

جلسه گفت و گو به وجود آمده، می تواند به عنوان سوژه مناسب تحقیق قلمداد شود. به منظور آنکه نتایج تحقیق منحصر به بیان کلیات نشود، لازم است محقق از پیش سؤالاتی خاص و جزئی را که می تواند روشن گر ابعاد گوناگون باشد، طراحی و از مخاطب پیرامون آنها سؤال کند.

محاسن و محدودیت های تحقیق

وسعت زمان تحقیق، امکان پرسش از افراد بسیار، امکان به کارگیری محقق خبره و با تجربه، امکان بررسی صداقت مطالب فرد در جلسه گفت و گو از امتیازات مهم و اساسی این شیوه کسب اطلاعات به شمار می رود.

در مقابل، زمان بر بودن، کمبود محقق با تجربه و دلسوز، امکان دریافت پاسخ های متعارض، احتمال افشای اطلاعات و... از جمله دغدغه های مربوط به شیوه تحقیق محسوب می شود. با این حال، با رعایت ضوابط صحیح تحقیق می توان امیدوار بود که بیشترین و معتبرترین اطلاعات از این شیوه حاصل شود و نباید اموری مانند ناپسند دانستن تحقیق، عجله و شتاب زدگی، دل بستگی به فرد مورد نظر، نگرانی در مورد ازدواج نکردن، دوری مسافت، حسن ظن افراطی و... مانع استفاده از این شیوه اساسی کسب اطلاعات شود.

۵. آزمون

یکی دیگر از شیوه های بررسی خصوصیات افراد، استفاده از آزمون (تست) است. آزمون وسیله اندازه گیری حالت ها، ویژگی ها و توانایی های افراد است و اطلاعاتی عینی برای مشاوره به دست می دهد. (سید مهدی حسینی بیرجندی، ص ۲۱۷)

در جریان مشاوره و راهنمایی، آزمون ها نقش مهمی بر عهده دارند که پاره ای از موارد کاربرد آنها به این شرح است:

- به وسیله آزمون ها می توان اطلاعات دقیق و معتبری در زمینه علایق، استعدادها، توانایی ها و خصوصیات شخصیتی فرد به دست آورد و اطلاعات حاصل را در اختیار وی قرار داد تا در مورد توانایی ها و نارسایی های خود، آگاهی های لازم را به دست آورد.

- آزمون ها وسایلی هستند که پیش بینی احتمالی موفقیت فرد را در ازدواج طرف مقابل امکان پذیر می سازند. (همان، ص ۲۱۸)

نمونه‌ای از آزمون‌های مشاوره ازدواج

مقیاس خانواده اصلی: ^۱ مقیاس خانواده اصلی یک ابزار ۴۰ سؤالی است که برای سنجیدن ادراک و استنباط شخصی از میزان سلامت خانواده اصلی اش تدوین شده است. مقیاس خانواده اصلی بر استقلال و صمیمیت به عنوان دو مفهوم کلیدی در حیات یک خانواده سالم تمرکز دارد. در این الگو، خانواده سالم به اعضای خود استقلال می‌دهد و این استقلال با تأکید بر صراحت بیان، مسئولیت، احترام به سایرین، باز بودن با دیگران، و قبول جدا شدن و فقدان به وجود می‌آید (باقر ثنائی، ص ۷۱).

مقیاس همدم طلبی - دوری گزینی: ^۲ همدم طلبی - دوری گزینی، یک مقیاس ۸۰ سؤالی برای اندازه‌گیری سازه «همدم طلبی» و «دوری گزینی» در روابط بین اشخاص است. «همدم طلبی» تجلی نیروهای پیوند یافتن و با هم بودن است، در حالی که «دوری گزینی» تجلی نیروهای فردیت است و بستگی به فضای خصوصی و پرهیز اشخاص از درگیر شدن عاطفی به خاطر محافظت از خویشتن دارد. (همان)

پرسش‌نامه وابستگی به دیگران: ^۳ پرسش‌نامه وابستگی به دیگران، یک ابزار ۴۸ سؤالی است که برای سنجیدن افکار، رفتار، و احساس‌های مربوط به نیاز به مرادده نزدیک با اشخاص ارزشمند است. (همان)

پرسش‌نامه پرخاشگری: ^۴ این پرسش‌نامه ۲۹ سؤالی چهار جنبه از پرخاشگری را می‌سنجد: فیزیکی، کلامی، خشم و خصومت. (همان)

رعایت احتیاط‌های لازم در کاربرد آزمون

آزمون‌ها وسایل کاملی برای اندازه‌گیری نیستند. هر آزمون فقط نمونه‌ای از رفتار فرد را در زمانی معین می‌سنجد. به علاوه، آزمون‌ها به همان خوبی که حد متوسط را اندازه می‌گیرند، نمی‌توانند موارد حداقل و حداکثر را ارزیابی کنند. در تعبیر و تفسیر نتایج آزمون‌ها، باید این مطالب را در نظر گرفت:

1. Family - of - Origin Scale (FOS).
2. Pursuing-Distancing Scale (P-D).
3. Interpersonal-Dependency Inventory (IDI).
4. Aggression Questionnaire (AQ).

- در آزمون‌ها همیشه خطای اندازه‌گیری وجود دارد. به همین دلیل، باید نتایج آنها را با اطلاعاتی که از دیگر فنون ارزیابی به دست آمده است، مقایسه کرد.
- قبل از آزمون باید کاملاً اطمینان حاصل کرد که فرد از سلامت جسمی و آرامش و امنیت روانی برخوردار است و محل اجرای آزمون نیز مناسب، دارای فضای کافی و آرام است.

- در تفسیر آزمون‌ها، ابتدا مشاور خود باید مطمئن شود که اطلاعات به دست آمده را درک می‌کند، سپس به بیان تفسیر آنها برای دیگران پردازد.
- در تفسیر نتایج آزمون‌ها برای فرد یا طرف مقابل، باید از به کار بردن اصطلاحات فنی و مطالبی که امکان دارد برای آنها قابل فهم نباشد، خودداری کرد.

- در تفسیر نتایج آزمون‌ها، باید قضاوت‌ها قطعی تلقی نشوند و همیشه در تفسیر جنبه‌های مختلف رفتار مورد نظر، احتیاط کرد. در غیر این صورت، قاطع تلقی کردن نتایج، ممکن است زیان‌هایی از قبیل برچسب زدن به فرد، یا آسیب‌های شخصیتی برای او، به دنبال داشته باشد. به همین دلیل ضمن اعلام نتایج آزمون به افراد، باید آنها را از محدودیت‌ها و نارسایی‌های آزمون‌ها مطلع ساخت و نیز باید به آنان کمک کرد که نتایج آزمون‌ها را با توجه به طرح‌های مورد نظر، اطلاعات قبلی و مانند آنها مورد بررسی قرار دهند. (سید مهدی حسینی بیرجندی، ص ۲۱۹ - ۲۲۱)

محدودیت‌های آزمون

هرچند کاربرد آزمون، اطلاعات سودمندی برای مشاوران به ارمغان می‌آورد، ولی استفاده از نتایج آنها با محدودیت‌هایی نظیر موارد زیر مواجه است:

- آزمون‌های معتبر در سنجش حالت‌ها، ویژگی‌ها و توانایی‌های افراد معمولاً در کشورهای خارجی میزان شده است و با توجه به تفاوت‌های فرهنگی جامعه ما با آن جوامع، نمی‌تواند برای افراد جامعه ما کاملاً معتبر باشد.

- در میان آزمون‌های مختلف، هر یک به اندازه‌گیری یکی از ویژگی‌های فرد می‌پردازد و آزمون واحدی که تمامی جنبه‌های مربوط به ازدواج را بسنجد، و از اعتبار لازم نیز برخوردار باشد، موجود نیست.

- تعبیر و تفسیر اطلاعات حاصل از آزمون و انطباق ویژگی‌های دو طرف ازدواج

بر اساس آزمون، نیازمند مشاوره‌های آگاه و با تجربه است که بسیار اندک اند.
- در این شیوه نیز امکان ارائه اطلاعات غیر واقعی از سوی آزمودنی وجود دارد و این خود تا حدودی اعتبار اطلاعات حاصله را زیر سؤال می‌برد.

سؤالات مشاوره‌ای

برخی پرسش‌هایی که داوطلبان ازدواج از مشاوران می‌پرسند و پاسخ‌های آنان به این شرح است:

الف. آیا همسریابی به شیوه اینترنتی مناسب است؟

در پاسخ به این سؤال نخست باید مفهوم «همسریابی اینترنتی» روشن شود. ممکن است مراد از این اصطلاح آن باشد که فرد داوطلب ازدواج همان طور که به شیوه سنتی از طریق یک فرد معرف یا واسطه به فرد مورد نظر و خصوصیات او دسترسی پیدا می‌کند، این بار از طریق یک کانال مجازی به فرد و مشخصات او اشراف پیدا کند. به این معنا که فرد بر اساس معیارهای مورد نظر خویش، از بین افراد متعددی که در شبکه اینترنت معرفی شده‌اند، فرد مناسب را گزینش کرده، سپس به طور رسمی و از مسیر خانواده‌ها موضوع خواستگاری را مطرح کند.

روشن است که همسریابی اینترنتی به این معنا موضوع دشواری نیست و از منظر آموزه‌های دینی نیز، منعی در مورد آن به چشم نمی‌خورد. البته در این شکل از همسریابی، باید اهتمام ویژه‌ای به احراز مشخصات ارائه شده در اینترنت به خرج داد و از سادگی و خوش‌باوری به شدت بر حذر بود، چرا که ممکن است فرد اطلاعات مربوط به خود را با اندکی درشت‌نمایی و تحریف در شبکه قرار داده باشد.

برداشت دیگر از این نوع همسریابی آن است که فرد پس از به دست آوردن اطلاعات در مورد فرد مورد نظر، بدون اقدام از طریق‌های رسمی مثل خانواده، خود به برقراری ارتباط با طرف مقابل اقدام کند. این ارتباط می‌تواند به صورت نوشتاری، گفتاری و یادیداری انجام شود و پس از شناخت نسبتاً کامل در مورد طرف مقابل، اقدام به خواستگاری کند.

این ارتباط اگر به قصد ازدواج صورت پذیرد و ضوابط شرعی در گفت و گو و نگاه نیز در آن رعایت شود، منع شرعی نخواهد داشت، ولی با وجود این، چنین ارتباطی توصیه نمی‌شود؛ زیرا:

اولاً برقراری ارتباط بدون شناخت طرف مقابل، ریسک است و احتمال سوء استفاده در این موارد کم نیست.

ثانیاً این گونه ارتباطها موجب دل بستگی یک یا دو طرف ارتباط خواهد شد. دل بستگی به طرف مقابل نیز خود موجب پیامدهای نامطلوبی همچون موارد زیر خواهد شد: نادیده گرفتن نقایص و عیوب.

پرهیز از بررسی و تحقیق همه جانبه در مورد ویژگی های او. بروز اختلالاتی همچون افسردگی و پرخاشگری، در صورت مخالفت خانواده ها با ازدواج. برداشت سوم از همسریابی اینترنتی آن است که فرد بدون قصد همسریابی با فردی از جنس مخالف ارتباط دوستی برقرار کرده و پس از آشنایی، پیشنهاد ازدواج را با وی در میان گذارد.

این نوع از همسریابی علاوه بر آنکه از مشکلات برداشت دوم برخوردار است، با مشکل غیر شرعی بودن نیز مواجه است. ضمن آنکه این گونه ارتباطها به تدریج عمیق تر و گسترده تر شده، احتمال آنکه به انحراف اخلاقی حاد منجر شود نیز وجود دارد.

ب. آیا برای شناخت طرف مقابل، ارتباط دوستانه با وی توصیه می شود؟

برخی از دختران و پسران بر این باورند که بهتر است برای شناخت صحیح طرف مقابل، مدتی با وی طرح دوستی ریخته، از طریق این ارتباط دوستانه به گونه ای عینی و قابل مشاهده حالات و رفتارهای او را مورد شناسایی و ارزیابی قرار داد. هر چند با این گونه ارتباطها می توان به اطلاعاتی در مورد فرد مورد نظر دست یافت، ولی باید پذیرفت که این اطلاعات به دلیل آنکه در فضایی آکنده از احساسات و عواطف رد و بدل می شود، بسیار سطحی و از طرفی تا حدودی غیر قابل اعتماد است. در این گونه ارتباطها احتمال قصد سوء استفاده نامحتمل نیست و اگر چنین انگیزه ای نیز در کار نباشد، احتمال دارد یکی از دو طرف و یا هر دو به رفتار نمایشی و تصنعی رو آورده، به این وسیله نظر دیگری را به سوی خود جلب کنند. از دیگر معایب چنین روابطی، دل بستگی، اضطراب، از دست دادن تمرکز حواس، افسردگی در صورت قطع یک جانبه ارتباط و تزلزل زندگی مشترک در صورت منجر شدن رابطه به ازدواج می باشد. با توجه به هزینه زیاد این گونه روابط، نمی توان به نتایج مثبت آن در شناخت طرف مقابل خوشبین بود.

ج. جایگاه استخاره در انتخاب همسر چیست؟

سیره مردم متشرع و به‌ویژه طلاب علوم دینی آن است که در مورد همسرگزینی به استخاره رو آورده، بر طبق آن، فرد مقابل را پذیرفته و یا رد می‌کنند. در اینجا این سؤال مطرح خواهد شد که آیا استخاره برای ازدواج از پشتوانه‌ای که آن را تأیید کند، برخوردار است یا خیر؟ به عنوان پاسخ به این سؤال و برای حسن ختام این نوشتار مطلبی ارزشمند از حضرت امام خمینی (ره) را نقل می‌کنیم:

از برای استخاره دو معنا است که یکی... صرف دعا و از خدا طلب خیر کردن است. یک معنا دیگر استخاره آن است که پس از آنکه انسان به کلی در امری متحیر و وامانده شد، نه عقل او را به خوبی و بدی آن راهنمایی کرد و نه عاقل دیگر راه خیر و شر را به او فهماند و نه خدای جهان درباره آن تکلیفی و فرمانی داشت که رهنمای او باشد، در این صورت که هیچ راهی برای پیدا کردن خوب و بد در کار نیست و دینداران یا بی‌دینان ناچار و از روی بیچارگی یک طرف را اختیار می‌کنند... دینداران می‌گویند خدای عالم که پناهگاه بیچارگان و دادرس افتادگانست و این حالی است که انسان از همه حالات بیشتر محتاج به دستگیری است. یک راه امیدی بر روی انسان از عالم رحمت و رأفت و مهربانیش باز کرده و اگر با این حال اضطراب انسان به او پناه ببرد و از او راهنمایی جوید و عرض کند بار الهی این وقتی است که عقل ما و دیگران در پیدا کردن راه خوب و بد وامانده است و راه چاره برای ما نیست. تو چاره‌ساز بیچارگان و عالم به اسرار پنهانی، ما را به یک سوی مطلب راهنمایی کن و اراده ما را به یک طرف قوی کن، تو به ما دلگرمی ده و از ما دستگیری کن. ناچار خدای جهان که قادر بر پیدا و پنهان است، یا دل او را به یک سو می‌کشاند و راهنمای قلب او می‌شود و او خود مقلب القلوب است. و این یک گونه استخاره است. یا از او دستگیری کرده، دست او را به یک طرف سبحه (تسبیح) می‌اندازد و یا به وسیله قرآن به یک سو او را دلگرم می‌کند....

در مورد زناشویی چون انسان غالباً از خصوصیات اخلاق خانوادگی زن و شوهر بی‌خبر است، آن هم مورد تردید و تحیر می‌شود و خدای عالم در یک همچو وقت تاریک پرخطری انسان را راهنمایی می‌کند. (امام خمینی (ره)، ص ۹۰-۹۶)

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. امام خمینی، روح الله، کشف الاسرار.
۳. بابایی آملی، ابراهیم، داستان ازدواج معصومین (ع)، قم، انتشارات نجبا، ۱۳۸۱.
۴. بستان، حسین، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
۵. تنایی، باقر، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۷۹.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
۷. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعة، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۲ ق.
۸. حسینی بیرجندی، سید مهدی، اصول و روش‌های راهنمایی و مشاوره، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۴.
۹. حیدری، مجتبی، دینداری و رضامندی خانوادگی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
۱۰. سالاری فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۱۱. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۱۶. هاوجی، اُون و ...، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی، مترجمان: مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۴.

